

سیری بر نظام‌نامه‌های مدارس دوره قاجار

بررسی موردی جایگاه اخلاق و شرعیات
در نظام‌نامه‌های مدارس ملی

رحیم روح‌بخش* سیدرضا باقریان موحد

اشاره

مدارس ملی یکی از انواع مدارسی است که از دوره مظفری تا انقلاب اسلامی توسط مردم تأسیس می‌شده است. نظام‌نامه‌های این مدارس که نشان‌دهنده برنامه درسی و تقویم آموزشی، ساختار آموزشی و نحوه مدیریت آموزشی و مالی در قالب نظام‌نامه‌های برجای‌مانده می‌تواند رویکردها و جهت‌گیری آن‌ها را مشخص کند و موردی برای بررسی محققان و پژوهشگران تاریخ تعلیم و تربیت ایران باشد که در این مقاله به‌طور مختصر به آن اشاره شده است.

مقدمه:

در خلال شکل‌گیری نظام نوین آموزشی در ایران، در یکی دو دهه قبل و بعد از مشروطه، رجال فرهنگی دغدغه‌مند به‌منظور گسترش سواد، ده‌ها مدرسه تحت عنوان «مدارس ملی» تأسیس کردند. امروزه رویکرد مؤسسان و مدیران این مدارس را می‌توان به‌عنوان یک فعالیت مدنی تلقی کرد. بر این اساس، مدارس ملی به مدارسی اطلاق می‌شد که عموم، به‌خصوص رجال علاقه‌مند، دیوان‌سالاران حکومتی، تاجران، معلمان یا سایر افراد آن را تأسیس و از آن حمایت می‌کردند. ساختمان، هزینه‌های مدرسه، اداره و حتی برنامه آموزشی آن‌ها را بانیان مدارس تأمین می‌کردند و حکومت قاجار در اداره و گسترش آن‌ها

* کارشناس مسئول اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

E-mail: Roohbakhsh1965@yahoo.com

** نویسنده، محقق و تاریخ‌پژوه

نقش چندانی نداشت. در مقابل این مدارس، مدارس دولتی قرار داشتند که دارالفنون، مدرسه سیاسی، مدرسه تجارت، مدرسه نظامی و دیگر مدارس مشابه قرار داشتند. مدارس دولتی به منظور تأمین نیاز حکومت به نیروهای متخصص و کارکنان دولتی تأسیس شده بودند.

از آنجا که مدارس ملی را افراد مختلف با سلیقه‌ها و علاقه‌های گوناگون تأسیس می‌کردند، در نتیجه این مدارس در عرصه برنامه درسی، شیوه مدیریت، ارزشیابی و حتی نحوه پذیرش نوآموزان از تنوع و تکثر بی‌شماری برخوردار بودند. مدیران مدارس ملی به تدوین و اعلام عمومی شیوه عمل و برنامه‌های خود در قالب «نظام‌نامه» اقدام کردند. این نظام‌نامه‌ها معمولاً در ده‌ها ماده، ساختار و چارچوب، برنامه اجرایی مدرسه را نشان می‌داد. صرف‌نظر از مقدمه نظام‌نامه در حمد باری تعالی و ستایش از رسول‌الله(ص) و اهل‌بیت(ع) و همچنین تبیین اهمیت علم و ضرورت کسب دانش جدید، به‌طور کلی محتوای غالب نظام‌نامه‌ها را در پنج محور به این شرح می‌توان برشمرد:

۱. در بیان اهداف تأسیس مدرسه؛
۲. معرفی دست‌اندرکاران مدرسه و شرح وظایف هر یک؛
۳. شرایط پذیرش و وظایف دانش‌آموزان؛
۴. پروگرام (برنامه درسی) مدرسه؛
۵. مراحل و مدت تحصیل و امتحانات هر دوره.

با عنایت به اینکه تاکنون در پژوهش‌های حوزه تاریخ و تحولات نظام آموزشی نوین در ایران، توجه لازم به نقش و داده‌های نظام‌نامه‌ها نشده است، در این نوشتار، ضمن طرح کلیاتی از این موضوع، دو محور اصلی مطرح‌شده در نظام‌نامه‌ها، یعنی رعایت اصول اخلاقی و انجام فرایض شرعی توسط محصلان مدارس، بازکاوی می‌شود.

الف) صورت مذاکرات و مصوبات شورای عالی فرهنگ

«نظام‌نامه» از نظر مفهومی در دوره‌های متفاوت، به‌خصوص در دو سده اخیر، در پیوندی وثیق با قانون و به تعبیر دیگر به‌عنوان مصوبه یک نهاد سیاست‌گذار یا قانون‌گذار به کار رفته است. از این رو می‌توان آن را یک مفهوم نوین تلقی کرد. زیرا قانون به معنی جدید آن در ایران، به مصوبات مجلس شورای ملی اطلاق می‌شود. بر این اساس به نظر می‌رسد، نظام‌نامه، به‌نوعی در پیوند با مفاهیم جدید عصر ناصری، توسط منورالفکران وارد عرصه فرهنگی شده است. مفهومی چون «تنظیمات» به‌معنای اصول و مبانی جدید حکومتی که ملکم‌خان در عصر ناصری مطرح کرد و بعدها به یک چارچوب مفهومی اجرایی در برخی عرصه‌ها تبدیل شد؛ به‌طوری‌که به‌تدریج تأسیس نهادها و سازمان‌های جدید اداری از اواخر قاجار و ضرورت تدوین مقررات خاصی برای ساختار آن‌ها در قالب نظام‌نامه، باعث

مدارس ملی
در عرصه برنامه
درسی، شیوه
مدیریت، ارزشیابی
و حتی نحوه
پذیرش نوآموزان
از تنوع و تکثر
بی‌شماری
برخوردار بودند

شد این مفهوم بیش از پیش وارد عرصه عمومی شود. نکته عمده اینکه این مفهوم، فارغ از ماهیت اداری، گاهی در سایر عرصه‌ها، از جمله نهادهای مدنی، عرصه‌های اجتماعی و سایر حوزه‌ها، نیز به کار گرفته شد؛ به طوری که به تدریج این تلقی حاصل شد که لازمه تأسیس هر نهاد یا سازمان جدید، تدوین و نشر نظام‌نامه آن، برای اطلاع عموم است. شاید اشاره به عنوان تعدادی از نظام‌نامه‌های سال‌های مشروطه بتواند زاویه‌های موضوع را آشکار کند. برای روشن شدن ابعاد این مفهوم، عنوان تعدادی از نظام‌نامه‌های در دسترس دوره قاجار^۱ ارائه می‌شود:

- ◆ نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی، ۲۰ رجب ۱۳۲۴؛
- ◆ نظام‌نامه کتابخانه عمومی، ۱۳۲۴ق؛
- ◆ نظام‌نامه داخلی بانک ملی ایران، ۱۳۲۵ق؛
- ◆ نظام‌نامه انجمن مظفری ادر تحکیم مشروطیت، ۵ رمضان ۱۳۲۵؛
- ◆ نظام‌نامه انجمن مقدس آل محمد ادر تحکیم شریعت و مشروطیت، ۱۳۲۵؛
- ◆ نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، ۱۳۲۸ق؛
- ◆ نظام‌نامه در شبکه‌های عمومی، ۱۳۳۳ق؛
- ◆ نظام‌نامه اساسی وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، ۱۲۹۷ش؛
- ◆ نظام‌نامه دایره محاسبات و دایره تفتیش کل وزارت معارف، ۱۲۹۹ش؛
- ◆ نظام‌نامه اساسی جمعیت شیر و خورشید ایران، ۱۳۰۱ش.

یک نکته قابل توجه اینکه در دو مورد از نظام‌نامه‌های مذکور، بعد از نظام‌نامه، کلمه «اساسی» آمده است. نظام‌نامه اساسی وزارت فلاح و ...، و نظام‌نامه اساسی جمعیت شیر و خورشید. به نظر می‌رسد، در این دو مورد، جامعیت دو نهاد مذکور (وزارتخانه و سازمان) باعث شده است با افزودن «اساسی»، متنی فراتر از یک نظام‌نامه معمولی لحاظ شود، به طوری که بتواند تمام ابعاد و کلیات آن دو نهاد را پوشش دهد.

بررسی نظام‌نامه‌ها در عرصه نظام آموزشی نوین، حاکی از گسترش ابعاد و کاربرد این مفهوم در خلال شکل‌گیری و توسعه مدارس جدید است. تنظیم و اعلان نظام‌نامه در دوره مذکور به سرعت به عنوان یک اصل محتوم به یک امر فراگیر در حوزه‌های مختلف معارفی تبدیل شد. به طوری که در منابع و متون آن دوره با مفاهیمی نظیر تصویب‌نامه، متحدالمال، پروگرام (پروگرام)، ترتیب دروس، ترتیبات مدرسه، دستور مدارس، دستور تعلیمات مدارس و موارد مشابه پیوند یافت. حتی نظام‌نامه بعدها بخشی از مفاهیم حقوقی و اداری نظیر اساسنامه، بخشنامه، دستورالعمل، آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی و ... را نیز پوشش داد. با این حال بررسی منابع نشان می‌دهد، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از جمله وزارتخانه‌هایی بودند که با عنایت به گستره حوزه کاری و اداری آن، بیشترین تعداد

۱ این نظام‌نامه‌ها در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش موجود هستند.

نظام‌نامه‌ها را تدوین و تصویب کردند و به مرحله اجرا گذاشتند. فهرست اسامی تعدادی از نظام‌نامه‌های در دسترس^۱ عبارت‌اند از:

- ◆ نظام‌نامه انجمن معارف، ۱۳۱۵ ق؛
- ◆ نظام‌نامه مدارس ابتداییه و متوسطه، ۱۳۳۱ ق؛
- ◆ نظام‌نامه اساسی دارالمعلمین مرکزی، ۱۲۹۷ ش؛
- ◆ نظام‌نامه دایره محاسبات و دایره تفتیش کل وزارت معارف و اوقاف، ۱۲۹۹ ش؛
- ◆ نظام‌نامه مکاتب دهکده، ۱۳۰۲ ش؛
- ◆ نظام‌نامه امتحانات رسمی، ۱۳۰۲ ش؛
- ◆ نظام‌نامه کمیسیون معارف، ۱۳۰۲ ش؛
- ◆ پروگرام نظام‌نامه دارالمعلمین مرکزی، ۱۳۰۲ ش.

ناگفته پیداست، این نظام‌نامه‌ها مباحث و موضوعات کلان نظام آموزشی را در بر گرفته‌اند و نظام‌نامه‌های مدارس، که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند، در مرحله بعد از آن‌ها قرار دارند. بر این اساس، با عنایت به گستردگی مفهومی و معنایی نظام‌نامه، ارائه تعریفی مانع و جامع از آن دشوار به نظر می‌رسد. با این احوال، یکی از منابع حقوقی و تخصصی آموزش و پرورش، «نظام‌نامه» را در ردیف اساسنامه لحاظ کرده و آن را مختصراً به معنی «مجموعه اصول و قوانینی که هر شرکت یا مؤسسه برای نظم‌دادن به روال کار خود تهیه می‌کند»، تعریف کرده است. سپس در معنی گسترده، «نظام‌نامه» را هم‌معنی «آیین‌نامه» تلقی کرده و در تعریف آن آورده است: «مجموعه اصول، مقررات و روش‌های اجرایی که به استناد موازین قانونی، برای روشن‌ساختن معنا و مراحل یک قانون یا انجام‌دادن کارهای اداری مشخص یا موضوع معین، از طرف مراجع و مقامات ذی‌صلاح وضع و به‌منظور انجام وظایف و تحقق‌بخشیدن به آن‌ها ابلاغ می‌شود و می‌تواند دربرگیرنده استانداردهای فنی نیز باشد؛ خواه هدف آن تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوعه باشد، خواه در مواردی باشد که اساساً قانونی در آن مورد وضع نشده است. زیرا قانون‌گذار نمی‌تواند تمام جزئیات اجرایی یک قانون را پیش‌بینی کند. البته این نوع از نظام‌نامه‌ها از نظر ماهیت مکمل قانون و شامل آیین‌نامه‌های مصوب مجلس نمی‌شوند، ولی از معتبرترین دستورالعمل‌ها و عموماً لازم‌الاجرا هستند و مانند سایر اسناد رسمی ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. لذا اجرای آن برای همگان الزامی است، مگر اینکه مفاد آن خلاف قانون اساسی و قوانین عادی باشد. در آموزش و پرورش، تنها مرجع سیاست‌گذاری و تدوین آیین‌نامه و نظام‌نامه‌ها، شورای عالی معارف (۱۳۰۱-۱۳۱۷) و شورای عالی فرهنگ (۱۳۴۶-۱۳۱۷) بود و در حال حاضر شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۴۷ تاکنون) است (عابدینی، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۵ و ۶۶۴).

۱. این نظام‌نامه‌ها در آرشیو مرکز اسناد شورای عالی آموزش و پرورش موجودند.

«نظام‌نامه»
در فرهنگ‌نامه‌ها
به معنی «مقررات
و آیین‌نامه
مشخص‌کننده
انتظامات داخلی
هر دستگاه»
آمده است

از زاویه دیگر «نظام‌نامه» در فرهنگ‌نامه‌ها به معنی «مقررات و آیین‌نامه مشخص‌کننده انتظامات داخلی هر دستگاه» آمده است. این تعریف بر گردش امور جاری و اختصاصی در هر دستگاه دولتی و عمومی ناظر است و امروزه به آن بخش‌نامه و دستورالعمل سازمانی و وزارتی می‌گویند. علاوه بر آن، با توجه به مفاد قوانین گوناگون، به‌ویژه در دوره‌های اولیه مجلس شورای ملی، نظام‌نامه را دستورالعمل‌های اجرایی و عملیاتی برای «اجرای قوانین» منظور کرده‌اند. به این ترتیب، بانی و مرجع «نظام‌نامه‌ها» وزارتخانه یا سازمان ذی‌ربط بود که با تدوین «نظام‌نامه» درصدد بودند شیوه‌نامه و دستورالعملی برای اجرا و برقرار کردن یا در اصطلاح «پایه‌کردن» صحیح و آسان قانون تهیه کنند. در تدوین آن، لحاظ کردن و تعیین جزئیات و رویکرد کارشناسی مبنای کار قرار می‌گرفت. به این ترتیب، معمولاً وزیر یا عالی‌ترین مقام دستگاه دولتی و عمومی یا هیئت وزرا یا حتی در مواردی شخص پادشاه، مرجع و مقام «تصویب‌کننده» آن بود.

البته ناگفته نماند، با اینکه به نظر می‌رسد نظام‌نامه مفهومی جدید است، ولی با بررسی مکتوبات دیوانی می‌توان استنباط کرد که «نظام‌نامه» در برخی متون به معنی شیوه‌نامه اجرایی در یک مجموعه تشکیلاتی کشور به کار رفته است که بنا به فرمان شاه یا صدراعظم و حتی وزیر، به مأموران به‌منظور گردش امور یا وظایف ارجاعی صادر می‌شد. کما اینکه در این راستا شامل «مقاله‌نامه‌های حقوقی و اجرایی فی‌مابین دول و ممالک» نیز به کار رفته است. این نوع کاربرد نظام‌نامه غالباً در نظام دیوان‌سالاری دوره صفویه و به‌خصوص دوره قاجار رواج بیشتری داشت. به‌خصوص در یکی دو دهه آستانه مشروطه و بعد از آن، به‌طور گسترده با این واژه مواجه هستیم. در این دوره، «نظام‌نامه» به چیزی اطلاق می‌شد که اساس و بنیان یک «نهاد قانونی» را ترسیم می‌کرد و تشکیل می‌داد. به‌طور مشخص و نمونه می‌توان به «نظام‌نامه مجلس شورای ملی» اشاره کرد که به معنی «آیین‌نامه داخلی مجلس» آمده است. اما با گذشت زمان معلوم شد که مصوبات همین مجلس به‌عنوان قانون نمی‌تواند همه ابعاد و زوایای جزئی را دربرگیرد، یعنی اجرای این قانون به دستورالعملی جزئی و دقیق نیاز دارد تا زمینه اجرای آن قانون را فراهم کند. مجلس این بخش اخیر را به «تعیین و تصویب» خود دستگاه یا وزارتخانه مجری آن قانون واگذار کرد. از این رو، در مراجعه به قوانین مجلس، شاهد آن هستیم که وزارتخانه مربوطه خود مرجع تدوین و تصویب نظام‌نامه یا آیین‌نامه اجرایی قوانین مربوطه است. در برخی موارد، مرجع تصویب آن نظام‌نامه، خود هیئت وزرا بوده است. ناگفته پیداست، نهادها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف در بخش مأموریتی خویش برای اجرای قانون مربوط به خود، از نام‌ها و عنوان‌های متعددی نظیر نظام‌نامه، آیین‌نامه، بخش‌نامه و مواردی شبیه آن‌ها استفاده کرده‌اند. از همین رو به نظر می‌رسد نظام‌نامه در هر یک از سازمان‌های جدید به یک معنا (البته نزدیک به هم) به کار رفته است.

ب) نظام‌نامه‌های مدارس ملی

چنانکه گذشت، مدارس ملی آن دسته از مدارسی بودند که در عصر مظفوری در ذیل جنبش نوگرایی مشروطه‌خواهی تأسیس شدند. از این رو می‌توان برای مدارس ملی نقشی مهم در گسترش سوادآموزی و در نتیجه آگاهی‌بخشی و تربیت شهروند جدید قائل شد. نکته مهم این است که تأسیس این مدارس نه از طرف نهادهای حاکمیتی، بلکه از طرف تعدادی از رجال به اصطلاح دیوان‌سالار و یا علاقه‌مند به ترویج افکاری خاص یا جریان فرهنگی خاص صورت گرفت. دیوان‌سالاران کسانی بودند که در حوزه‌های اداری و حکومتی سمت‌هایی داشتند، اما فارغ از جایگاه حکومتی، نوعی مسئولیت اجتماعی برای خود قائل بودند. این رجال علاقه‌مند، از اواخر دوره ناصری فعالیت‌های مدنی خود را تشدید کردند و با هزینه خودشان مدارس جدیدی را تأسیس کردند و نام آن‌ها را «مدارس ملی» گذاشتند، زیرا در قالب یک امر و نهاد مدنی و توسط رجال دغدغه‌مند تأسیس شدند، نه دولت. و دیگر آنکه آموزش عمومی و مدنی را مورد توجه قرار دادند.

سؤال این است که دغدغه‌های این افراد چه بود؟ بی‌سوادی و بی‌آگاهی مردم. پس باید آگاهی‌بخشی می‌کردند. یعنی سوادآموزی گسترش پیدا می‌کرد تا در فکر و زندگی و آگاهی مردم تغییراتی ایجاد کند. این رسالت‌بخشی علوم انسانی در آموزش است. آموزش‌های قبلی دولتی نظیر مدرسه دارالفنون، بر پایه علوم مهندسی و البته خاص فرادستان استوار بود. برعکس، مدارس ملی با رویکرد رهایی‌بخشی در خدمت طبقات میانه و فرودستان قرار داشتند. از این رو نه تنها حامی، بلکه مخاطب دو نوع مدارس نیز متفاوت بود. واقع اینکه، نهاد حاکمیت استبدادی ناصری تمایل نداشت در قسمت علوم انسانی سرمایه‌گذاری کند. این حوزه را عده‌ای افراد دغدغه‌مند، نظیر میرزا احسن رشیدی، به خصوص امین‌الدوله، صدراعظم مظفردالدین شاه، که یک جل بلندپایه دیوان‌سالار بود، و ده‌ها تن دیگر از رجال معارف‌پرور به عهده گرفتند. آنان به این فهم رسیده بودند که لازم است سواد در جامعه گسترش پیدا کند و آگاهی بیشتر شود. هدف افراد مذکور این بود که با روش‌های نوین آموزشی القبا، به فرزندان توده‌های بی‌سواد، سواد یاد دهند تا آن‌ها بتوانند روزنامه بخوانند و آگاهی به دست بیاورند. یعنی هدف این‌ها مثل مدرسه دارالفنون کسب تخصص و شغل دولتی نبود. ضمن اینکه مدارس ملی نیز شبیه مدارس دولتی خصلت طبقاتی نداشتند و شامل همگان، به خصوص فرودستان، می‌شدند. مهم‌تر اینکه ماهیت علوم انسانی داشتند و البته به پاسخ‌گویی به نظام سیاسی نیز تعهدی نداشتند.

فرایند مدرسه‌سازی با نزدیک شدن به تحولات نوگرایانه نهضت مشروطه (۱۳۲۴ق)، با رشد فزاینده‌ای مواجه شد، به طوری که در آستانه انقلاب اسلامی، تعداد مدارس ملی و دولتی به ده‌ها باب رسید. اسامی برخی از این مدارس و مؤسسان آن‌ها عبارت است از: «مدرسه اسلام، مؤسس آیت‌الله سید محمد طباطبایی (از رهبران مشروطه)؛ مدرسه علمیه، مؤسس مفتاح‌الملک و احتشام‌السلطنه؛ مدرسه علمیه، مؤسس شیخ‌الملک سیرجانی

ویژگی خاص
بسیاری از مدارس
داشتن نظام‌نامه
بود

کرمانی، مدرسه افتتاحیه، مؤسس مفتاح‌الملک؛ مدرسه هدایت، مؤسس آقا سیدمهدی؛
مدرسه شرف، مؤسس ناظم‌الاطبا کرمانی؛ مدرسه ادب، مؤسس حاج میرزا یحیی؛ مدرسه
سادات، مؤسس حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، مدرسه خرد، مؤسس میرزا عبدالرضاخان،
مدرسه معرفت، مؤسس ظهیرالدوله، مدرسه سعادت، مؤسس مترجم‌الدوله، مدرسه دبستان
دانش، مؤسس حاج میرزا یحیی با حمایت مالی ارفع‌الدوله؛ مدرسه خیریه، مؤسس میرزا
کریم‌خان سردار، مدرسه قدسیه، مؤسس نظام‌الحکما (در برخی منابع نظام‌العلماء)؛ مدرسه
شریعت، مؤسس آقا شیخ باقر؛ مدرسه اقدسیه؛ مدرسه ثروت؛ مدرسه سلطانی، مدرسه
تربیت؛ مدرسه امانت؛ مدرسه اقبال؛ مکتب رشیدی ناموسه؛ مدرسه مدیریه؛ مدرسه ایمانیه؛
مدرسه قوامیه؛ مدرسه تمدن؛ مدرسه شرافت؛ مدرسه فرهنگ؛ مدرسه مدیریه [شماره ۲]؛
مدرسه نظامیه؛ مدرسه قزاقخانه؛ مدرسه همایون؛ مدرسه افتخاریه؛ مدرسه اعتضادیه؛
مدرسه تأدیب؛ مدرسه دارالارشاد؛ مدرسه رفعت؛ مدرسه فضیلت؛ مدرسه کمالیه؛ مدرسه
مظفریه؛ مدرسه اتفاقی جاوید؛ مدرسه شاه‌آباد. به‌علاوه ده‌ها مدرسه مسیونرهای مذهبی
مسیحی و اقلیت‌های دینی، از جمله مدرسه آلیانس، مدرسه آرامنه؛ مدرسه پروتستان‌ها،
مدرسه یهود و مدارس زرتشتی. البته این مدارس به جز مدرسی بود که در سایر ایالات و
ولایات کشور نظیر آذربایجان، اصفهان، خراسان، همدان، کرمانشاهان، شیراز، بوشهر، رشت
و ... تأسیس شده بود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ج ۳، ۱۳۶۳: ۵۶۱).

ویژگی خاص بسیاری از این مدارس داشتن نظام‌نامه بود؛ به‌طوری که اهداف، ساختار و
برنامه درسی مدرسه به‌روشنی برای اطلاع مخاطبان در قالب نظام‌نامه آمده است. به‌صراحت
می‌توان ادعا کرد، مهم‌ترین منبع و اسناد در دسترس مدارس ملی، همانا نظام‌نامه‌های
این مدارس هستند. البته مدارک پراکنده‌ای از این مدارس در نشریات دوره مشروطه،
خاطرات رجال دیوان‌سالار و بعضاً اسناد شخصی در خاندان‌های علاقمند وجود دارند، ولی
این اسناد در نسبت با نظام‌نامه‌ها اهمیت کمتری دارند. در واقع، تدوین و انتشار نظام‌نامه
برای مدارس ملی به این معنا بود که مؤسسان آن مدرسه نسبت به آموزش نوآموزان اهتمام
داشته‌اند و برای مدرسه خود برنامه آموزشی و اجرایی، با شرح وظایف دست‌اندرکاران
مدرسه تدارک دیده‌اند. مهم‌تر اینکه، چون معمولاً نظام‌نامه‌ها در نشریات وقت منتشر
می‌شدند، این کار نوعی اطلاع‌رسانی عمومی بابت اطلاع والدین و ثبت‌نام نوآموزان نیز
تلقی می‌شد. مهم‌تر از این‌ها، اصولاً تأسیس هر مدرسه ملی به‌عنوان گامی در راستای
آگاهی‌بخشی جامعه عصر مظفری تلقی می‌شد که آن را می‌توان در پیوند با نهضت مشروطه
و مطالبه گسترش سوادآموزی و مبارزات مدنی در آن دوره محسوب کرد. نکته درخور توجه
و اهمیت درباره تدوین و نشر نظام‌نامه‌های مدارس این است که چون وزارت علوم و معارف،
که مسئولیت نظام آموزشی دولتی را بر عهده داشت، هنوز بر مدارس ملی سيطرة نداشت،
و برای مدارس یک نظام و برنامه مشخص تدوین و تصویب نکرده بود، لذا مؤسسان مدارس
ملی می‌توانستند بنا بر سلیقه و علاقه‌های خود، ضمن تأسیس مدرسه، نظام‌نامه‌ای خاص

درباره برنامه درسی، مدیریت و پذیرش نوآموز تدوین و اطلاع‌رسانی کنند. چنانکه گذشت، نظام‌نامه‌ها از تنوع و تکثر زیادی برخوردار بودند. از این رو، ارائه یک تقسیم‌بندی اساسی از نظام‌نامه‌ها دشوار به نظر می‌رسد. اما در یک بررسی کلی شاید بتوان با عنایت به ماهیت، زمان، مکان و عملکرد نظام‌نامه‌ها، آن‌ها را در چند محور عمده به این شرح تقسیم‌بندی کرد:

♦ **نوع مدارس:** دولتی و ملی؛

♦ **دوره تاریخی:** قبل از مشروطه و بعد از مشروطه؛

♦ **موقعیت جغرافیایی:** مدارس داخل کشور، مدارس ایرانی خارج از کشور؛

♦ **موقعیت جغرافیایی داخل کشور:** مدارس مرکز (تهران)، مدارس ایالات و ولایات؛

♦ **کارکرد مدارس:** مدارس عمومی، مدارس تخصصی (مدرسه فلاح و ...).

بررسی کلیات متن نظام‌نامه‌های یکی دو دهه پیش و پس از مشروطه نشان می‌دهد، محتوای این نظام‌نامه‌ها حول چند محور اصلی به این شرح قرار دارد:

۱. مقدمه در حمد باری تعالی و ستایش رسول‌الله (ص) و اهل بیت (ع) و همچنین در بیان اهمیت علم و ضرورت کسب دانش جدید؛

۲. اهداف تأسیس مدرسه و ضرورت تدوین و تنظیم نظام‌نامه؛

۳. دست‌اندرکاران مدرسه و شرح وظایف هر یک، به این شرح:

حامیان و بانیان مدرسه، معرفی انجمن، هیئت، شرکا و شورای مدرسه، شرح وظایف رئیس، مدیر، دفتردار و ناظم مدرسه، وظایف معلمان و نحوه پرداخت حقوق آنان، مأموریت ناظر و مفتش مدرسه، وظایف مستخدم و خادم مدرسه.

۴. شرایط پذیرش و وظایف دانش‌آموزان:

تعداد پذیرش و سن نوآموزان، هزینه (شهریه) دانش‌آموزان، تکلیف متعلمان (شاگردان)، اصول بهداشت و سلامت، رعایت نظم و انضباط، مزایای تحصیل در مدرسه، کمک‌های مدرسه به دانش‌آموزان (تغذیه، لباس و ...)، تشویق و تنبیه (مدال، ستاره، منع تنبیه و ...)، شغل‌یابی بعد از فارغ‌التحصیلی.

۵. پروگرام (برنامه درسی) مدرسه:

دروس خاص و مورد توجه مدرسه، رعایت فرایض شرعی و اصول اخلاقی، مراسم صبحگاهی و عصرگاهی، تعطیلات مدرسه، مراحل و مدت تحصیل و امتحانات هر دوره.

ج) بررسی جایگاه اخلاق و شرعیات در نظام‌نامه‌های مدارس ملی:

نظام آموزش سنتی، اعم از حوزه‌ها و مکتب‌خانه‌ها، نظامی فضیلت‌محور بود. یعنی هدف از آموزش در آن نظام آموزشی، ساختن انسانی دینی و اخلاق‌مدار بود. این رویکرد در مرحله گذر از نظام آموزش سنتی به نوین، در آستانه مشروطه نیز مورد توجه ویژه رجال معارف‌پرور،

مؤسسان
مدارس ملی
در تدوین و تنظیم
بندهای چندگانه
نظام‌نامه‌های
مدارس خویش،
به‌طور ویژه
بر رعایت
اصول اخلاقی و
فرائض شرعی
محصلان تأکید
می‌ورزیدند

به‌خصوص مؤسسان مدارس ملی، قرار گرفت. آنان در تدوین و تنظیم بندهای چندگانه نظام‌نامه‌های مدارس خویش، به‌طور ویژه بر رعایت اصول اخلاقی و فرائض شرعی محصلان تأکید ورزیدند. بررسی بندهای نظام‌نامه‌ها از اولویت نخست رعایت اخلاق و شرعیات نسبت به سایر موارد دیگر حکایت دارد، به‌طوری که در چند نظام‌نامه بر اخراج دانش‌آموزان خاطی اشاره شده است. این رویکرد می‌تواند دلایلی چند داشته باشد: نخست اینکه متولیان مدارس ملی در تقابل با تبلیغات سنت‌گرایان مخالف مدارس جدید، به‌خصوص مکتب‌خانه‌داران، در صدد برآمدن مدارس ملی را مدافع شریعت اسلام و اصول اخلاقی آن نشان دهند. به نظر می‌رسد، تبلیغات گسترده متشرعان و مشروطه‌خواهان علیه این مدارس، فضای سنگینی علیه آن‌ها ایجاد کرده بود که برخی از مؤمنان از ثبت‌نام فرزندان خود در این مدارس خودداری می‌کردند. از این‌رو، تدوین و نشر نظام‌نامه‌های متعدد مدارس ملی در آن سال‌ها به یک مبارزه تبلیغاتی تبدیل شده بود. نکته دوم اینکه بررسی برنامه درسی مدارس ملی نشان می‌دهد، این مدارس به‌نوعی در تداوم مکتب‌خانه‌ها و نظام آموزشی سنتی قرار داشتند. تقریباً تمام محتوای درسی مکتب‌خانه‌ها، اعم از شرعیات، اخلاقیات، ادبیات و غیره در این مدارس تدریس می‌شدند. البته شیوه آموزش الفبا از یک سو و فضای و تجهیزات کلاس از سوی دیگر، این مدارس را نسبت به مکتب‌خانه‌ها متمایز می‌کرد. به هر حال، قبل از پرداختن به موضوع اخلاق و شرعیات در نظام‌نامه‌های مدارس ملی، تذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

- ♦ از میان قریب یک‌صد نظام‌نامه مدارس، در اینجا فقط نظام‌نامه یازده مدرسه ملی مورد بازکاوی قرار گرفته و مطالب مربوطه از آن‌ها استخراج شده است.
- ♦ در تدوین این بخش، ضمن بررسی اخلاقیات و شرعیات نظام‌نامه‌ها، کلیات موضوعی ذیل این دو موضوع در پنج حوزه شامل نماز، قرآن، اخلاق، نقش والدین و معلمان، تقسیم شده و مصادیق بند مربوطه عیناً نقل شده است.
- ♦ اغلب نظام‌نامه‌هایی که در این نوشتار بررسی شده‌اند، به مدارس ملی مربوط می‌شوند که پیش از نهضت مشروطه آغاز به فعالیت کردند. البته به جز یک مورد و آن هم مدرسه گلپهار اصفهان که تاریخ تأسیس آن سال ۱۳۳۱ ق است.
- ♦ تاریخ نظام‌نامه‌ها، که در ارجاعات درون‌متنی نیز آمده، به قمری است.

در پایان این بخش، فصل پنجم «نظام‌نامه مدرسه مبارکه رشديه»، در سیزده بند، راجع بر رعایت اصول اخلاقی و انجام فریضه‌های شرعی توسط دانش‌آموزان، عیناً آمده است. با عنایت به اینکه مدرسه مذکور از زمره نخستین مدارس ملی از یک سو و نقش ویژه رشديه در تسهیل آموزش الفبا (به روش صوتی) از سوی دیگر حائز اهمیت بوده است و مهم‌تر اینکه وی با استناد به تألیفات کتاب‌های درسی (باقریان موحد، ۱۳۹۹) نقش ویژه‌ای برای اخلاق و شرعیات قائل بود، ترجیح داده شد این فصل به‌تمامه لحاظ شود:

۱. تأکید بر انجام فریضة نماز

- ♦ اول درسی که به اطفال داده می‌شود، علم اخلاق حسنه و آداب شرعیه است (منتخبات نظام‌نامه مدرسه کمال تبریز، ۱۳۱۷: ۴).
- ♦ هم‌روزه متعلمان بعدازظهر، قبل از شروع به کلاس، به‌طور جماعت ادای صلات می‌نمایند (مدرسه گلپهاریصفهان، ۱۳۳۱: ۷).
- ♦ [مظفرالدین میرزا ولیعهد] قدغن فرموده‌اند که [میرزا محمد ندیم باشی، رئیس مدرسه دارالفنون تبریز] کمال مواظبت را نماید که در مدرسه به هیچ وجه از ادای فرایض دینیہ تغافل و تکاهل نشود و خلاف شرعی وقوع نیابد. اگر اتفاقاً خطایی از کسی سر زد، سیاست و تنبیه سخت شود (مدرسه دارالفنون تبریز، ۱۳۱۱: ۱۵).
- ♦ شاگردان در دبستان نماز خود را ادا خواهند نمود. در این باب، در دبستان مبصر و در خانه ولی آن‌ها، متماداً باید کمال دقت و مواظبت را داشته باشند که شاگردان اهمال در ادای فرایض پنجگانه نورزند (دبستان ایرانیان در استانبول، ۱۳۰۱: ۳۰).
- ♦ شاگردان باید در امر نماز و در حفظ نمودن دعاهاى مأثورہ و خواندن هر دعایی در موقع خود، چه در وقت شروع به درس و چه در وقت فراغ از درس و چه در وقت صرف ناهار، کوتاهی ننمایند (مدرسه مبارکه سادات، ۱۳۱۶: ۱۳-۱۲).
- ♦ یک ساعت بعد از ظهر که شاگردان حاضر شدند، باید فوراً همگی وضو گرفته و در اتاق‌های خود به نماز ظهر و عصر بایستند و در هر اتاقی هر روز یک نفر از شاگردان به نوبت پیشنهاد خواهد شد و یک نفر هم مکبر خواهد بود. در حضور معلم یا معاون نماز خواهند کرد و معلم مراقب صحت نماز آن‌ها خواهد بود و پیش‌نماز هم نماز را بلند خواهد خواند که اطفال دیگر بشنوند و یاد بگیرند و بعد از نماز، باز شاگردان به کار درس و مشق خود مشغول خواهند شد (مدرسه افتتاحیه، ۱۳۱۷: ۴).
- ♦ نماز ظهر و عصر شاگردان غیرمکلف به جماعت است و مسائل نماز را معلمی مخصوص میان دو نماز به‌طور ساده و سهل به آن‌ها می‌آموزد و روز بعد تحویل می‌گیرد. اگر حاضرند و از حفظ تحویل دارند، مسئله‌ای دیگر از فرایض را تعلیم می‌نماید و هر یک از شاگردان قرائت و نمازش صحیح‌تر است، به اجازه معلم به امامت منصوب می‌شود و دیگران به او اقتدا می‌نمایند (مدرسه مبارکه باقریه اصفهان، ۱۳۱۸: ۶).

۲. تأکید بر قرائت قرآن

- ♦ شاگردان باید هم‌روزه در وقت معین که یک ساعت از آفتاب برآمده باشد، در مدرسه حاضر باشند و غیر از طبقه ابتدایی که موقع قرآن خواندن آن‌ها نرسیده، سایرین تماماً باید مشغول مقابله قرآن مجید شوند و در نهایت خوبی با قرائت صحیح قرآن بخوانند. بعد از آن، هر طبقه به اتفاق مخصوص خود رفته و مشغول

درس شوند (مدرسه مبارکه سادات، ۱۳۱۶: ۱۳-۱۲).

- ♦ شاگردان ابتدایی، قبل از درس صبح، تلاوت قرآن می‌نمایند و قبل از درس عصر هم مشغول نماز می‌گردند (مدرسه مبارکه باقریه اصفهان، ۱۳۱۸: ۴).
- ♦ شاگردانی را مدرسه قبول می‌کند که معروف به فساد اخلاق و عقیده نباشد... هر روزه مقدار معینی که اکثر آن یک ساعت است، صرف مشق خط و تلاوت قرآن خواهد شد (مدرسه گلپهار اصفهان، ۱۳۳۱: ۳).

۳. منع ویژه از چند عمل ضد اخلاقی

- ♦ شاگردانی را مدرسه قبول می‌کند که معروف به فساد اخلاق و عقیده نباشد (مدرسه گلپهار اصفهان، ۱۳۳۱: ۳).
- ♦ در دو صورت، طفل فوراً از مدرسه اخراج می‌شود؛ یکی اینکه دزدی از دستش دیده شود و دیگر مرتکب عمل شنیعی گردد (منتخبات نظام‌نامه مدرسه کمال تبریز، ۱۳۱۷: ۴).
- ♦ هر وقت از هر کدام از شاگردها عمل شنیع و صفات مغایر آداب شریعت فهمیده شود، بلا استثنا بالکلیه از دبستان مطرود خواهد گردید (دبستان سعادت بوشهر، ۱۳۱۷: ۲).
- ♦ آنان که راهشان دور و مجبورند که در مدرسه صرف ناهار بکنند، به قدر امکان، به مختصریات قناعت ورزند و خورش‌های رنگارنگ را در دولت‌سرای خودشان میل فرمایند (منتخبات نظام‌نامه مدرسه کمال تبریز، ۱۳۱۷: ۷).

۴. رعایت اخلاق در کوچه و خانه

- ♦ تمامی شاگردان بلا استثنا باید در ایاب و ذهاب در محله و کوچه با کمال ادب و وقار حرکت نمایند و بالکلیه از عبارات زشت و حرکات نامعقول اجتناب کنند که اگر حرکت قبیحی و یا عبارت زشتی از آن‌ها شنیده شود، در نمره تقبیح و سرزنش آن‌ها ثبت خواهد شد و از درجه‌ای که دارند نزول خواهند نمود (دبستان سعادت بوشهر، ۱۳۱۷: ۳).
- ♦ شاگردان باید هر دستور العملی را که در مدرسه در امر اخلاق آن‌ها داده می‌شود، در خارج مدرسه هم همان دستور العمل را رفتار نمایند و فرق میان مدرسه و غیرمدرسه نگذارند (مدرسه مبارکه سادات، ۱۳۱۶: ۱۳-۱۲).

۵. در وظایف والدین و معلمان

- ♦ از پدر و مادران اطفال این دبستان استدعا خواهد شد که به اطفال خودشان از هر بابت با کمال مهربانی و ادب سلوک کرده و از عبارات قبیحه و فحش‌های نامربوط اجتناب نمایند که هر چه اطفال آن‌ها در دبستان تحصیل ادب و تهذیب اخلاق می‌نمایند، فاسد نگردد (دبستان سعادت بوشهر، ۱۳۱۷: ۵).

♦ اولیا باید از حفظ اخلاق و مراعات امور مذهبی فرزند خود مراقبت‌نامه داشته باشند و در صورت عدم مواظبت او کتباً به مدرسه اظهار فرمایند. مرابطات و مراودات اطفال خود را مخصوصاً با اشخاص فاسدالاخلاق غدغن اکید فرمایند. اولیا باید فرزندان خود را همیشه محترم داشته و از استعمال کلمات رکیکه در مقابل آن‌ها و همچنین از ملاطفت‌های بی‌موقع نسبت به آن‌ها احتراز فرمایند (مدرسه گلبهار اصفهان، ۱۳۳۱: ۹).

♦ معلمان بیش از همه باید مواظب اخلاق و اطوار اطفال باشند و در دفع عادات مضره از آن‌ها سعی بنمایند (دبستان بهجت ایرانیان در لنکران، ۱۳۲۵: ۱۶-۱۴).

۶. یک نظام‌نامه خاص با سیزده دستورالعمل اخلاقی

۱. شاگردان مدرسه باید اطاعت امر ناظم و معلم را در امر تحصیل و اخلاق واجب و لازم بدانند، چنانکه در خارج مدرسه اطاعت امر پدر و مادر و بزرگ‌ترهای خود را واجب می‌شمارند و باید همه‌روزه در اول وقت ظهر نماز خود را به جماعت در مدرسه ادا نمایند و در خانه‌های خود کمال مراقبت را در نماز داشته باشند.

۲. شاگردان نباید کاری بکنند که اسباب خفت آن‌ها در مدرسه فراهم بیاید و خفت کشیدن را از هر سیاستی بدتر و سخت‌تر بدانند.

۳. شاگردان مدرسه باید در خانه‌های خود کمال احترام از پدر و مادر و بزرگ‌ترهای خود بنمایند و هیچ‌وقت راضی نشوند که از طرف اولیای آن‌ها شکایتی از ایشان به مدرسه بشود و اسباب خفت آن‌ها در مدرسه فراهم آید.

۴. شاگردان باید مدیر و ناظم و معلمان مدرسه را مانند پدر و بزرگ‌ترهای خود احترام کنند؛ چه در مدرسه و چه در خارج از مدرسه.

۵. شاگردان باید پادشاه مملکت و وزرای خیرخواه و علمای خداپرست و دین اسلام و وطن عزیز خود را از جان و دل دوست بدانند.

۶. شاگردان باید هم‌شاگردیان خود را برادران روحانی خود بدانند و به چشم برادری به آن‌ها نگاه بکنند و در شادی و غم با آن‌ها شریک باشند؛ مگر اینکه خدای نخواستہ در میان آن‌ها شاگردی بداخلاق باشد که آن وقت بر تمام شاگردان واجب و لازم است که با او هم‌کلام نشوند و یک قدم با او بر ندارند و از معاشرت با او احتراز نمایند.

۷. شاگردان باید در خیابان و کوچه و معبر، چه در آمد و رفت مدرسه و چه غیر آن، به هیچ وجه نایستند و توقف نکنند و در وقت آمدن به مدرسه از خانه بیرون آمده، بدون درنگ و توقف به مدرسه وارد گردند و در وقت مراجعت از مدرسه، که با صف نظامی حرکت می‌کنند، اگر جمعی هم با هم باشند، در نهایت آرامی سر به زیر انداخته و منظم روانه منزل‌های خود بشوند و در کوچه نباید با هم شوخی کنند

یا حرف سبک بزنند و بعد از وارد شدن به خانه تنها و بی‌اذن بزرگ‌ترهای خود از خانه بیرون نروند.

۸. شاگردان باید هر روز شنبه و روز بعد از هر تعطیل که باشد، رضایت‌نامه از بزرگ‌ترهای خود که در خانه دارند گرفته و در اول ورود به مدرسه به دست ناظم بدهند و بعد وارد اتاق خود بشوند، که اگر رضایت‌نامه نداشته باشند، معلوم می‌شود در روز تعطیل در خانه بداخلاقی کرده‌اند و در اول ورود به مدرسه مجازات خواهند شد.

۹. شاگردان باید اگر چیزی در مدرسه پیدا کردند، فوراً به دست ناظم برسانند و در نزد خود نگاه ندارند.

۱۰. شاگردان باید هر حرف بی‌قاعده یا حرکت بی‌جایی از دیگری در حق خود ببینند یا بشنوند، فوراً به ناظم اطلاع بدهند. اگر درست گفته باشد، مقصر تنبیه شود و اگر دروغ گفته باشد، دروغ‌گو سیاست دارد.

۱۱. شاگردان نباید در سر درس با یکدیگر صحبت بدارند و با دست و صورت و کتاب و اسباب تحریر خود نباید بازی کنند، بلکه باید سر تا پا گوش و چشم باشند برای دیدن و شنیدن و فهمیدن.

۱۲. هیچ یک از شاگردان نباید راضی شود که از شاگرد دیگر در درس و اخلاق عقب بماند، بلکه باید روز و شب سعی کند و کوشش نماید که از جملهٔ مقدمین باشد و هر دستور العملی که از مدرسه به او داده می‌شود، اطاعت آن را بر خود واجب بداند.

۱۳. شاگردان باید دفتری داشته باشند که در آنجا دروسی که خوانده‌اند نوشته شود و در مقابل آن‌ها ناظم قید نماید خوب، بسیار خوب، متوسط و بد. و این دفتر را همیشه شاگرد همراه ببرد، به اولیای خود نشان بدهد و فردا باز بیاورد و این روزنامهٔ او تا آخر سال نوشته می‌شود تا اولیای او بدانند که طفل آن‌ها مشغول چه کار است و آیا در ترقی است و یا در تنزل است: روز شنبه - قرآن / رفتار و سلوک ناپسند یا پسندیدهٔ خوب / یکشنبه شرح ایضاً... (مدرسهٔ مبارکهٔ رشديه در تهران، ۱۳۱۵: ۲۷-۲۲).

حاصل سخن اینکه تدوین برنامهٔ درسی اخلاق و شرعیات برای مدارس ملی حاکی است که اول سیاست‌گذاران نظام آموزشی نوین، به برنامهٔ درسی اخلاق و شرعیات اهتمام ویژه‌ای داشتند و دوم اینکه، در همین راستا، این دو آموزه را در پیوند با یکدیگر لحاظ کردند. سوم اینکه آن را در قالب چندین بند جداگانه، با ذکر مصداق‌های جزئی و دقیق اصول اخلاقی و فرائض شرعی، تبیین و اعلان کردند.

منابع

۱. باقریان موحد، سیدرضا (۱۳۹۹)، مجموعه آثار میرزا حسن رشديه تبریزی، قم، نشر طه.
۲. عابدینی، احمد (۱۳۹۳). واژه‌نامه تخصصی (ترمینولوژی) آموزش و پرورش. تهران. به سفارش شورای عالی آموزش و پرورش. نشر سادس.
۳. ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۳). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۳. تهران. امیرکبیر. چاپ سوم.

نظام‌نامه‌ها

۱. نظام‌نامه مدرسه مبارکه رشديه در طهران. مؤسس در سنه ۱۳۱۵. حسن رشديه. تهران. مطبعه شرقی. ۱۳۲۳ق. ۲۷ صفحه جیبی. چاپ سربی.
۲. کتابچه ترتیب [نظام‌نامه] مدرسه مبارکه دارالفنون دارالسلطنه تبریز. تبریز. ۱۳۱۱ق. ۱۵ صفحه جیبی. چاپ سنگی.
۳. نظام‌نامه دبستان ایرانیان در استانبول. به کوشش رضا قلی خان خراسانی. استانبول. [چاپخانه؟]. شعبان ۱۳۰۱ق. ۴۳ صفحه جیبی.
۴. نظام‌نامه دبستان بهجت ایرانیان در لنگران در تحت حمایت مخصوص قونسولگری دولت علیه شاهنشاهی ایران در بادکوبه. [به کوشش ع. م. اویسی]. بادکوبه. چاپخانه و جلدخانه برادران اوروجوف در کوچه نیکلابوسگی. ۱۳۲۵ق. ۲۲ صفحه.
۵. نظام‌نامه دبستان تمدن ایرانیان در صابونچی. در تحت حمایت مخصوص قونسولگری دولت علیه شاهنشاهی ایران در بادکوبه. [به کوشش علیمحمد اویسی]. بادکوبه. چاپخانه برادران اوروجوف در کوچه نیکلابوسگی. ۱۳۲۶ق. ۱۶ صفحه جیبی.
۶. نظام‌نامه دبستان سعادت در بوشهر که محتوی بر بیست و پنج فصل و یک خاتمه است. روزنامه ثریا. سال دوم. شماره ۲۵. روز شنبه بیست و هفتم شهر محرم‌الحرام سنه ۱۳۱۸ ق. (همچنین در این نشریه نیز چاپ شده است: معارف. شماره ۳۹. ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۱۷ق. صفحه ۳؛ شماره ۴۱. ۱۰ محرم ۱۳۱۸ق. صفحه ۳؛ شماره ۴۲. ۲۰ محرم ۱۳۱۸ق. صفحه ۴-۳)
۷. منتخبات نظام‌نامه مدرسه کمال تبریز. نشریه کمال. سال اول. شماره ۴. صفحه ۶-۵؛ شماره ۵. صفحه ۴-۵؛ شماره ۶. صفحه ۴-۳؛ شماره ۷. صفحه ۶-۵. ۱۳۱۷ق.
۸. نظام‌نامه مدرسه مبارکه سادات. روزنامه ثریا. سال دوم. شماره ۲۱. صفحه ۲-۱. ۱۹-۲۰؛ شماره ۲۲. صفحه ۱-۲. ۱۹-۲۰؛ شماره ۲۳. صفحه ۱-۲. ۱۹-۲۰. ۱۳۱۷ق.
۹. نظام‌نامه یومیة مدرسه افتتاحیه. نشریه جبل‌المتین. ۱۳۱۷ق.
۱۰. نظام‌نامه مدرسه مبارکه باقریه. [به کوشش میرزا علی نقشینه]. ۱۳۲۱ق. ۲۲ صفحه رقی. چاپ سنگی.
۱۱. نظام‌نامه و پروگرام مدرسه گلپهار. اصفهان. مطبعه جبل‌المتین. ۱۳۳۴ق. ۳۱ صفحه جیبی. چاپ سربی.